



صفحه گام دوم انقلاب کوششی است رسانه‌ای جهت تبیین و شرح بیانیه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت چهل و سومین سالگرد پیروزی انقلاب و در هر شماره، فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. شنبه‌های هر هفته در تبیین این بیانیه با ما همراه باشید.

قدم به قدم با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۸)

# ایستادگی روزافزون مقابل قلدران زورگویان و مستکبران جهان

## مقاومت انقلابی ایران «الگوساز»

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، گسترش موج بیداری و احیای هویت اسلامی در جهان اسلام و بلکه در میان همه ملت‌های مستضعف جهان را موجب شد. پایه‌ریزی سیستم حکومتی مبتنی بر گزاره‌های حیاتی در شرایطی که مکتب‌الحدادی کمونیسم و لیبرالیسم، شرق تا غرب عالم را تحت‌الشعاع اندیشه‌های مادی خویش قرار داده بود، نویدبخش بهبود شرایط و آزادی ملت‌های مستمیده از زیر یوغ استعمار و امپریالیسم بود. موفقیت علوم استراتژیک، این پدیده را که پس از انقلاب اسلامی ایران روزه‌روز بر دامنه آن افزوده شده است، گسترش عمق استراتژیک یک کشور می‌داند که ثمرات فراوانی را برای کشور هدف به دنبال می‌آورد. به طور کلی عمق استراتژیک به ابزارهای سیاسی، اعتقادی، انسانی و جغرافیایی یک ملت و نظام، جهت دفاع از کیان خود و همچنین پتانسیل یک دولت در اجرای اهداف و برنامه‌های بلندمدت داخلی و بین‌المللی اش اطلاق می‌شود. در حقیقت هر چیزی که نقطه قوت برای کشوری و نقطه تهدید برای کشور رقیب محسوب شود و بتواند نقش بازدارندگی را ایفا کند، عمق استراتژیک نامیده می‌شود. اجرای راهبرد عمق بخشی استراتژیک، اگر چه همواره در طول تاریخ وجود داشته است و افراد و کشورها با تصرف مناطق حساس یا ایجاد قلعه‌ها و دژهای مستحکم در مناطق سوق‌الجیشی، سعی در استفاده از این راهبرد داشته‌اند اما واژه عمق استراتژیک یا به عبارت دیگر عمق حوزه نفوذ، بعد از جنگ تاریخ دوم و با توجه به شکل‌گیری فضای دوقطبی در بین نظام‌های بین‌الملل، بیشترین کاربرد را در میان گفتمان‌های سیاسی و همچنین مباحث علوم استراتژیک به خود اختصاص داد.

جمهوری اسلامی ایران با آرزمان‌ها و ارزش‌های ساختاری خویش، در صورتی از حیات تثبیت‌شده برخوردار خواهد شد که بتواند به عنوان بازیگری فعال در چارچوب اصول و قواعد تعریف‌شده منطقه‌ای و بین‌المللی، به بازی خود استمرار و استحکام بخشد. بدیهی است هر گونه تأثیرگذاری در منطقه منوط به افزایش حوزه نفوذ و عمق بخشی استراتژیک در جهان اسلام بر مبنای باورهای مشترک است چراکه قرار گرفتن ایران در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه و خلیج فارس، اهمیت گسترش عمق استراتژیک و حوزه نفوذ نظام را دوچندان کرده است.

یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی



یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ناظر به عزت و اقتدار اسلام و حکومت اسلامی است که در قالب «نقی سلطه جویی و سلطه پذیری» در اصول قانون اساسی نیز بر آن تصریح شده است. «نقی سلطه جویی و سلطه پذیری» در اصول قانون اساسی نیز بر آن تصریح شده است. تعبیر قرآنی این اصل، همان عبارت معروف «نقی سبیل» است. شالوده و اساس این قاعده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نفی ظلم و ستم بر مردم مسلمان و حفظ استقلال و نفی وابستگی نسبت به بیگانگان است

ایران، ناظر به عزت و اقتدار اسلام و حکومت اسلامی است که در قالب «نقی سلطه جویی و سلطه‌پذیری» در اصول قانون اساسی نیز بر آن تصریح شده است. تعبیر قرآنی این اصل، همان عبارت معروف «نقی سبیل» است. شالوده و اساس این قاعده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نفی ظلم و ستم بر مردم مسلمان و حفظ استقلال و نفی وابستگی نسبت به بیگانگان است. دولت اسلامی بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، نه زیر بار ظلم می‌رود، نه به دنبال سلطه بر دولت‌های دیگر است و نه سلطه قدرت‌های بزرگ را بر خود یا دولت‌های مسلمان یا غیرمسلمان دیگر (جهان سوم، مستضعفین جهان) می‌پذیرد.<sup>(۱)</sup> از آنجا که جهان اسلام عمق راهبردی جمهوری اسلامی است، توجه عمیق و جدی به توسعه برنامه‌های فرهنگی در زمینه قدرت نرم بود، ضرورتی راهبردی به نظر می‌رسد.<sup>(۲)</sup> لذا گفتمان انقلاب اسلامی همواره منادی شکل‌گیری ائتلافی جهانی از احساسات ضدامریکایی در زمینه قدرت نرم بوده است. حضور ایران در کنار ملت عراق، پیش از همه مدعیان برای مقابله با داعش (به عنوان جریان تکفیری مورد حمایت مستکبران)، تلاش‌های دیپلماتیک و همچنین کمک‌های انسان‌دوستانه برای حل بحران یمن که توسط غرب و دست‌نشاندهان منطقه‌ای آن

قرار داده‌اند. در این راستا توجه به دو نکته ضروری به نظر می‌رسد: اولاً عمق استراتژیک ما تنها مرزهای خاکی نیست چراکه هنگام جنگ نرم، مرزهای هر‌کاری مطرح نخواهد بود، بلکه مرزها نیز ایدئولوژیک و آرمان‌هایی مطرح است که مردم جهان به سبب آنها در همه جهان از ماطرفداری می‌کنند، لذا پایبندی به این آرمان‌هاست که ما را در جهان توسط ملت‌های آزاد مورد حمایت قرار خواهد داد، ثانیاً در شرایط امروز جهانی، حفاظت و توسعه عمق استراتژیک، با پرداخت هزینه ممکن خواهد بود و همان‌طور که آمریکا در راستای پیشگیری از گسترش قدرت نرم در کشورها، سالانه میلیون‌ها دلار در قلم‌های ایلوئیدی برای تمسخر اسلام و شیطان‌نشان دادن دشمنانش، سرمایه‌گذاری کرده یا صدها جنگ به نام مبارزه با تروریسم به راه می‌اندازد، بدیهی است گسترش، تقویت و حفظ مرزهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران نیز نیازمند هوشمندی، سرمایه‌گذاری و استقامت و پایداری است.

در نتیجه این ایستادگی‌هاست که اکنون خود غریب‌ها نیز به افول ستاره بخت استکبار و به ویژه رژیم ایالات‌متحده آمریکا معترفند و افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا حتی در مکتب اندیشمندان و اندیشکده‌های غربی نیز به شکست کشیده شده است.

«جان ایکنبری» نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا و استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه پرینستون آمریکا در سال ۲۰۱۴ در مقاله‌ای با عنوان «آینده نظم جهانی لیبرال» که توسط مجله فارین افرز منتشر شده است، به تغییر قدرت جهانی اشاره می‌کند. وی معتقد است: «امروزه و سرآمدن گفتمان لیبرالیسم به نظریه‌پردازان و اندیشمندان آمریکایی، استانداردهای بین‌المللی در حال تغییر است. ما شاهد حقیقتی جدید به نام «تغییر قدرت» هستیم. در این فرایند، آمریکا و غرب در حال سقوط و نظم جدید بین‌المللی توسط BRICS (سقوط آمریکا اتفاق افتاده و دلیل آن هم این است که آمریکا ویژگی‌هایی مانند فقر، جرم، بیسواد و بیماری‌های موجود در جهان سوم را از خود به نمایش گذاشته است»<sup>(۱)</sup>

تغییر قدرت جهانی و افول قدرت آمریکا تغییر نظام تک‌قطبی در جریان است. عصر آمریکا در حال پایان است و نظم جهانی شرقی جایگزین نظم جهانی غربی شده است. ما شاهد پیدایش قدرت‌های نوظهور هستیم، در حالی که قدرت آمریکا در حال فرسایش است. تغییر قدرت جهانی به این دلیل در جریان است که قدرت در حال انتقال از غرب به شرق است.<sup>(۲)</sup> گیدون راشمن (Gideon Rachman) تحلیل‌گر سیاسی مجلات آمریکا بر این نظر است که آمریکا باید به فکر سقوط خود باشد. ایالات‌متحده آمریکا دیگر هرگز موقعیت تسلط جهانی بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی را تجربه نخواهد کرد. آمریکا از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۸ که دچار بحران اقتصادی شد، ۱۷ سال از موقعیت هژمونی جهانی برخوردار بود اما با معضلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از بحران سال ۲۰۰۸، این موقعیت خود را از دست داده و دیگر هم این موقعیت را تجربه نخواهد کرد. آن روزها دیگر تمام شد. رشد اقتصادی و نظامی چین، تهدیدی بلندمدت برای هژمونی جهانی آمریکا است. در واقع، امروزه رقابت بین چین نوظهور و آمریکا ضعیف، حول ابعاد گوناگون است. در مقابل ضعف آمریکا، قدرت‌های نوظهور از جمله چین، برزیل، ترکیه، هند و ایران هستند. هر کدام از این کشورها، اولویت‌های سیاست خارجی خود را دارند که توانایی آمریکا برای شکل‌دهی نظام جهانی را محدود می‌کنند.<sup>(۳)</sup>

میشل کاکس (Michael Cox) استاد روابط بین‌الملل معتقد است: در اوایل قرن ۲۱، ما شاهد حقیقتی جدید به نام «تغییر قدرت» هستیم. در این فرایند، آمریکا و غرب در حال سقوط و نظم جدید بین‌المللی توسط BRICS (سقوط آمریکا اتفاق افتاده و دلیل آن هم این است که آمریکا ویژگی‌هایی مانند فقر، جرم، بیسواد و بیماری‌های موجود در جهان سوم را از خود به نمایش گذاشته است»<sup>(۱)</sup>

استفان اس. کوهن معتقد است: «ایالات‌متحده آمریکا، قدرت و نفوذ خود را از دست خواهد داد. نفوذ آمریکا در جهان در حال اتمام است و بازگشت آن غیرقابل پیش‌بینی است. استانداردهای زندگی آمریکا در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته در حال توسعه، کاهش یافته است. ایالات‌متحده آمریکا، کشوری با ثروت، قدرت و نفوذ بود اما همه اینها در حال تغییر و روایی لیبرالیسم به پایان است»<sup>(۲)</sup>

حال «خیزش دیگران» هستیم که چشم‌انداز جدید جهانی را به وجود می‌آورد و در آن چشم‌انداز، قدرت و ثروت در حال جابه‌جایی است. قدرت در حال جابه‌جایی و فاصله گرفتن از سلطه آمریکایی است. ما در حال گام نهادن به جهان پسامریکایی هستیم که مردمان بسیار در نقاط بسیار، جهت و ماهیت آن را تعیین می‌کنند.<sup>(۳)</sup> بر اساس یافته‌های «ناشکده تجارت هاروارد» نظام سیاسی آمریکا شکست خورده و اقتصاد آن هم در حال سقوط است و دست‌وپا می‌زند. رشد و رفاه اقتصادی آمریکا ۳۰ سال پیش به پایان رسید. رؤیای آمریکایی در معرض خطر است. آمریکایی‌ها به رهبران سیاسی اعتماد ندارند و قطب‌بندی سیاسی به طرز چشمگیری افزایش یافته است. آمریکایی‌ها از نظام سیاسی خود ناامید هستند و اعتماد کمتری به دو حزب بزرگ دارند. این شرایط اقتصادی و سیاسی، بیابانگر است که رؤیای آمریکایی در خطر است.<sup>(۴)</sup>

«آلفرد مک کوی» استاد و مورخ آمریکایی معتقد است: مرگ ایالات‌متحده آمریکا به عنوان ابر قدرت جهانی می‌تواند به مراتب سریع‌تر از آن باشد که هر کس تصور می‌کند. به نظر او این مرگ تا سال ۲۰۲۵ کامل خواهد شد. انتقال ثروت و قدرت اقتصادی جهانی از غرب به شرق در حال جریان است. در سال ۲۰۱۲، ۶۵ درصد مردم آمریکا معتقد بودند این کشور در شرایط سقوط قرار دارد. مک کوی، استدلال می‌کند که بزرگ‌ترین عامل سقوط آمریکا، نظامی‌گری است.<sup>(۱)</sup>

نورمن گریچ، استاد آمریکایی ریشه سقوط آمریکا و تشدید اختلال و خشونت در آن را در «ثروت بدون کار، لذت بدون وجدان، دانش بدون شخصیت، تجارت بدون اخلاق، علم بدون انسانیت، عبادت بدون ایتار و سیاست بدون اصول» می‌داند و معتقد است: «سقوط آمریکا اتفاق افتاده و دلیل آن هم این است که آمریکا ویژگی‌هایی مانند فقر، جرم، بیسواد و بیماری‌های موجود در جهان سوم را از خود به نمایش گذاشته است»<sup>(۱)</sup>

بین‌الملل در حال وقوع است. آمریکا به عنوان رهبر این نظم، خود نیز دچار ضعف شده و مؤلفه‌های قدرت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک آن رو به سقوط هستند. واقعیت دیگر جهان امروز، ظهور قدرت‌های جدید است که اغلب رویکرد تجدیدنظرطلبانه به نظم آمریکایی دارند، قواعد و هنجارهای آن را قبول ندارند و درصددند در نظم جهانی آینده نقش مهمی داشته باشند.

### منابع:

- ۱- سیدنی‌زاد، سیدباقر (۱۳۹۰)، «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه‌انگاری»، فصلنامه علوم سیاسی، ش. ۴۹.
- ۲- زارعی، بهادر (۱۳۹۴)، قاعده نفی در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش. ۳۶.
- ۳- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲)، نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل، رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه، مجله سیاست دفاعی، ص. ۲۴۱.
- 4-G. John Ikenberry, "The Future of the Liberal World Order", Foreign Affairs, May/June 2014, p. 56
- 5-Gideon Rachman, "Think Again: American Decline", foreign policy, JANUARY 3, 2011
- 6-Michael Cox, "Power Shifts, Economic Change and the Decline of the West?", International Relations, 2012, p. 369
- 7-Noam Chomsky, "Noam Chomsky: The Decline of American Empire", salon, MAY 10, 2016 [http://www.salon.com/2016/05/10/noam\\_chomsky\\_america\\_is\\_a\\_state\\_in\\_decline\\_partner/](http://www.salon.com/2016/05/10/noam_chomsky_america_is_a_state_in_decline_partner/)
- 8-Fareed Zakaria, "The Post-American World", W. W. Norton & Company, 2008
- 9- Michael E. Porter & others, "PROBLEMS UNSOLVED AND AN ANATION DIVIDED", Harvard Business School, SEPTEMBER 2016, p. 5
- 10-Alfred W. McCoy, "The Decline and Fall of the American Empire", The Nation, DECEMBER 6, 2010 <https://www.thenation.com/article/decline-and-fall-of-american-empire/>
- 11-William Norman Grigg, Americas Engineered Decline, John Birch Society, 2004
- 12- Stephen S. Cohen, The End of Influence: What Happens When Other Countries Have the Money, Basic books, 2010, p. 3-6

کوچک‌تر تقسیم شود، مردم‌ش شادتر می‌شوند و فساد نیز در آن کمتر خواهد بود. این پژوهشگر با اشاره به سابقه جنگ داخلی برای جلوگیری از تجزیه آمریکا می‌گوید که از این تجربه تلخ همواره به عنوان یک سند و شاهد برای تقیح هر گونه تلاش جدیدی برای تجزیه استفاده می‌شود، در حالی که می‌توان بدون جنگ و خونریزی و با مراجعه به صندوق آرزوهای آمریکا اقدام کرد.

کوچک‌تر تقسیم شود، مردم‌ش شادتر می‌شوند و فساد نیز در آن کمتر خواهد بود. این پژوهشگر با اشاره به سابقه جنگ داخلی برای جلوگیری از تجزیه آمریکا می‌گوید که از این تجربه تلخ همواره به عنوان یک سند و شاهد برای تقیح هر گونه تلاش جدیدی برای تجزیه استفاده می‌شود، در حالی که می‌توان بدون جنگ و خونریزی و با مراجعه به صندوق آرزوهای آمریکا اقدام کرد.

این نویسنده، پیش از این آثاری درباره قانون اساسی، حاکمیت قانون، نظریه قرارداد اجتماعی و دونالد ترامپ چاپ شده است. نویسنده این کتاب معتقد است: «ایالات‌متحده آمریکا به هیچ‌گاه به اندازه امروز دچار تفرقه نبوده‌اند و اینکه کاملاً آماده تجزیه به هستند. او دشمنی‌های تلخ حزبی، بن‌بست قانونگذاری و پذیرش فرآینده خشونت تحت لوای ارزش سیاسی را نشانگر این واقعیت می‌داند که در کشورهایی مجزا، زندگی بهتری نصیب مردم آمریکا خواهد شد.

این کتاب با نام اصلی «American secession: the looming threat of a national breakup» در سال جاری میلادی در آمریکا منتشر شده است. این کتاب جدیدترین کتاب در حوزه معضلات و مسائل داخلی ایالات‌متحده آمریکا است و با زاویه جدیدی از نگاه مسائل داخلی این رژیم، به تشریح انگیزه استقلال‌خواهی گسست سیاسی حاکم بر این رژیم، پوشالی می‌پردازد. فرانک باکلی نویسنده این کتاب، استناد دانشکده حقوق دانشگاه جورج میسون و سنئون نویسنده روزنامه نیویورک پست است و تدریس در دانشگاه پانتئون - آسا و دانشگاه مگیل در مونترآل را در کارنامه دارد. از

## تجزیه آمریکا

کتاب «تجزیه آمریکا» نوشته فرانک ایچ. باکلی با ترجمه روح‌الله عبدالملکی توسط انتشارات دیدمان منتشر و راهی بازار نشر شد.



کتاب «تجزیه آمریکا: تهدید قریب‌الوقوع فروپاشی ملی ایالات‌متحده آمریکا» نوشته فرانک ایچ. باکلی با ترجمه روح‌الله عبدالملکی به تازگی توسط انتشارات دیدمان منتشر و راهی بازار نشر شده است.



«سایعاً: انقلاب اسلامی آئند پُراهیت و باشکوه و افتخار آمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان امریکای جهانخوار و جناپنکار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این ۴۰ سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصار گر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده امریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.»

(بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

